

راهنمای قرآنی در نقد و بررسی جبهه یهود

نوروز اکبری زادگان
عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)
دانشکده علوم پایه نظامی (افسری سپاه)



🌀 **نگاه اول: ملاحظه‌هایی بر رویارویی‌های پیامبر اکرم ﷺ با یهود**
آن طور که از تاریخ اسلام و سیره رسول اکرم ﷺ بر می آید، حضرت همزمان در چند جبهه از جمله در مقابل قریش، قبایل عرب، یهودیان و امپراتوری روم می جنگید، و به جنگهای متعددی برای نشر و گسترش اسلام و بویژه دفاع از حکومت اسلامی نوپای خویش، اقدام فرمود و سرانجام نیز در تمامی جبهه ها پیروز شود.

در این بررسی به رویارویی های جبهه ی یهود علیه پیامبر ﷺ می پردازیم تا جایگاه یهود در میان دشمنان سرسخت پیامبر ﷺ تبیین شد.

پرواضح است که جبهه ی قریش تا زمان هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، بیشترین ضربات را از سوی جبهه ی اسلام بر بیکره ی اشرافیت ستی خویش، دریافت کرده بود. و از این رو حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خویش را در معرض نابودی کلی می دید و بدیهی بود که برای نابودی جبهه اسلام برنامه ریزی و سازماندهی وسیعی انجام دهد و در این راستا از همه ی نیروها و امکانات خود و سایر قبایل عرب و حتی یهود بهره گیرد. (یهودیان) مدینه علاوه بر امور کشاورزی با پرداختن به امور صنعتی و اقتصادی، در مقابل اوس و خزرج مهمترین قدرت اقتصادی منطقه ی مدینه به حساب می آمدند. چنانکه از آیات قرآن کریم بر می آید: آنان گمان می کردند قدرت اقتصادی و دفاعی برتر آنها همواره موجب نجات آنان خواهد شد. «هو الذی اخرج الذین كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا و ظنوا انهم ما نعمهم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا و...» (۱) (او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین بر خورد با مسلمانان از خانه هایشان بیرون راند! گمان نمی کردید آنها خارج شوند، و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای محکم شان آنها را از عذاب الهی مانع می شود، اما خداوند، از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و...)

علاوه بر اوس و خزرج که در مدینه اختلافات دیرینه ای داشتند؛ قبایل یهود نیز در دوران جاهلیت با یکدیگر اختلافاتی داشتند و در آستانه ی ورود پیامبر ﷺ به مدینه، آنان نیز چون اوس و خزرج، احساس کردند و یا مصلحت آینده ی خود را در آن دیدند که از نزاع پرهیز کنند.

یهودیان پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه با او پیمان وطنی بستند. (۲) اما مدتی از این معاهدات نگذشته بود که قبیله بنی قینقاع تصمیم گرفت که از شروط معاهده سرپیچی کند و سرانجام، جبهه ی پیامبر ﷺ را با آن همه پیروزیهای درخشان با شکست مواجه سازند از این رو دشمنی خویش را کاملاً آشکار ساختند و پیمان خود را نقض کردند. (۳) آنان ابتدا سعی کردند تا میان مردم مدینه اختلاف اندازند و با یادآوری جنگهای دوره جاهلیت، آنها را متفرق سازند و کاملاً روشن بود که با وجود اعتماد و برادری در بین مسلمین، یهودیان طرفی نمی بستند. اما با وجود نفاق و اختلاف در بین آنان، استقرار یهود در منطقه حساس مدینه آسانتر می شد. بنابراین پیامبر ﷺ با عقد قرارداد، عدم تجاوز آنها به مسلمین و قطع ارتباط با قریش، سعی در کنترل جبهه ی یهود داشتند تا به خطری عمده در آینده نزدیک، برای نهضت اسلامی تبدیل نشوند. در این رابطه قرآن کریم می فرماید:

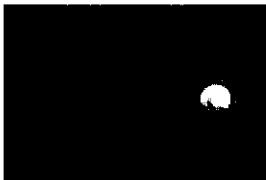
«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۴)

(بسیاری از اهل کتاب آرزو و میل آن دارند که از ایمان، شما را به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که بر ایمان شما می برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار شد. پس اگر از آنها ستمی به شما مسلمین، رسید در گذرید و مدارا کنید تا هنگامی که فرمان خدا (به جنگ یا به صلح) برسد که البته خدا بر همه چیز قادر و تواناست.)

❁ مفاد پیمان پیامبر ﷺ با یهودیان:

این پیمان که به نوعی روشن، پیمان عدم تعرض و همزیستی مسالمت آمیز به حساب می آمد، شامل مواردی از این قبیل بود:

۱. مسلمانان و یهودیان همچون امتی واحد در مدینه خواهند بود.
۲. هر گروه در انجام مراسم دینی خود آزاد است.
۳. چنانچه جنگی رخ دهد، اگر تجاوزی نباشد، به یکدیگر یاری خواهند رساند.
۴. هر گاه مدینه مورد یورش دشمن قرار گیرد، هر دو گروه در دفاع شرکت



۲. سیره ابی هشام: القسم الثانی، ص ۲۴۱
 ۳. واقدی، محمد بن عمر: المغازی، ج ۱، ص ۱۷۷
 ۴. آیه ۱۰۹ سوره بقره و نیز سوره آل عمران آیات ۱۰۰ تا ۱۰۳

خواهند کرد.

۵. صلح با دشمن، با مشورت هر دو طرف، انجام خواهد شد.

۶. امضاء کنندگان این پیمان با خیر خواهی و نیک رفتاری در کنار هم بسر خواهند برد. (۵)

اما آنچنان که از روحیه ی قومیت گرایی و نژاد پرستی یهودیان بر می آمد، آنان هر گز نتوانستند در مقابل گسترش سریع اسلام آرام بمانند و به بهانه های مختلفی، پیمان عدم تعرض را نقض کرده و به توطئه علیه اسلام پرداختند. (۶)

✿ اهداف اصلی پیامبر ﷺ در مبارزه با یهودیان مدینه

می توان اهداف پیامبر ﷺ را در مبارزه با یهودیان مدینه، اینگونه برشمرد:

۱. پاکسازی مدینه ی منوره از یهودیان: زیرا در این صورت شهر به پایگاه امن عملیات آینده ی مسلمانان تبدیل می شد و همچون گذشته تحرکات آنها نزد دشمن فاش نمی شد و از آن پس می توانستند که با گماشتن تعداد اندکی نگهبان، شهر را ترک گویند و در عین حال هیچ خطری آنها را تهدید نمی کرد.

۲. محرومیت قریش از راه های تجاری، که از یکسو عراق و از سوی دیگر شام را به مکه یعنی محل زندگی مشرکان متصل می ساخت با انجام این محاصره، قریش مهمترین منبع درآمد اقتصادی خود را از دست می داد. (۷) قابل توجه است که با فضل و عنایت الهی و مدیریت کارآمد پیامبر اکرم ﷺ و ایثار و فداکاری مسلمانان، یهودیان در اکثر جنگ ها مغلوب شدند و پس از فتح خیبر، جبهه یهود دچار فروپاشی قطعی شد. اما فتنه های آنان همچنان ادامه یافت. لشکر اسلام در جنگ با جبهه ی یهود، از امتیازات مهمی برخوردار بود که به طور خلاصه به آنها اشاره می شد:

۱. محاصره: روشی بود که تمامی کمک ها و امداد جنگی و سازمانی را به طور کامل از دشمن باز می داشت.

۲. دور بودن از تیررس اسلحه دشمن که ضریب امنیتی را بالا می برد.

۳. هجوم جبهه ای و ناحیه ای به قلعه های مستحکم آنها، همانند آنچه که در خیبر رخ داد.

۴. استفاده از راهبرد جنگ روانی علیه جبهه ی به ظاهر شکست ناپذیر یهود.

۵. تقویت روح معنویت در بین سپاهیان اسلام.

۶. انتخاب مکان مناسب برای استقرار سپاه و توجه به موقعیت های ژئواستراتژیک و جغرافیایی نظامی.

۷. ایجاد شکاف بین نیروهای یهود، که این امر با برتری کمی بر نیروهای دشمن

۵. ابن هشام: السیره النبویه، ج ۲،

ص ۱۴۴ و ۱۴۵

۶. بلاذری: فتوح البلدان، ص ۲۵

۷. ابن سعد: الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۹۲

انجام می شد. در این هنگام رسول خدا ﷺ امکان یافت که به تنهایی و پی در پی بر (بنی قینقاع)، (بنی نضیر)، (بنی قریظه) و (خیر) پیروزی یابد. علاوه بر آن، لشکر اسلامی، به وحدت فرماندهی، تمرکز، تبعیت، تداوم و سرعت یعنی مسایلی که به این لشکر، امکان پیروزی و غلبه یافتن بر یهود می داد، ممتاز بود. (۸)

اکنون بعد از ۱۴۰۰ سال از صدر اسلام نگاهی به عملکرد امروز یهود می کنیم:

❁ نگاه دوم: « تأملی بر پروتکل های یهود برای تسخیر جهان

معاصر در عصر حاضر»

آنچه در عصر اخیر برای یهود و صهیونیسم بین المللی بیش از همه گران تمام شده است، رشد اسلام و نهضت های آزادی بخش در جهان اسلام است، شناخت راهبرد جبهه ی یهود که تا حد زیادی در متن پروتکل های استراژیست های یهودی برای تسخیر عالم طراحی شده و نیز مقابله ی کار آمدی با توطئه های صهیونیسم بین الملل از جمله مسایل مهمی است که رهبران جهان اسلام باید تدبیری جدی و اندیشمندانه برای آن بیاندیشند. نگاهی گذرا به عنوان های پروتکل ها می تواند، به خوبی بیانگر راهبرد یهود برای استیلا بر جهان، در عصر جدید باشد:

❁ پروتکل ۱:

«دستیابی به طلا که جای قدرت را خواهد گرفت و ارایه حکومتی زورمندانه. زیرا حکومت بر اساس آزادی غیر ممکن است، به اعتقاد ما حق یعنی زور و در مناطق سیاسی ما: هر آنچه را که می خواهیم مال ماست چون ما قوی تریم و نیازی نیست که ثابت کنیم حق از آن کیست و مردم غیر یهودی از همان آغاز جوانی به وسیله ما، بی بند و بار و بدون اخلاق بار می آیند تا قدرت مقابله با ما را نداشته باشند.»

❁ پروتکل ۲:

تعلیم و تربیت ویرانگر. که به وسیله ترویج داروینیسیم، مارکسیسم و نیچه ایسم انجام داده ایم.

❁ پروتکل ۳:

فقر، اسلحه ی ماست. بدین صورت که ما در قانون اساسی خود، حق رفاه مادی توده های مردم را به صورتی خیالی امانه به گونه ای واقعی گنجانیده ایم، اگر طبقات مردم از لحاظ اقتصادی خود کفا باشند به نمایندگان و عوامل دست نشانده ی ما رأی نمی دهند.

❁ پروتکل ۴:

ما اعتقاد به خدا را متزلزل می کنیم.



۸. ضاهروتی: مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم ﷺ، ترجمه دکتر اصغر قائلان، نشر صریح ۱۳۷۴، ص ۲۲۵ و ۲۲۶

❁ پروتکل ۵:

باید سرمایه های جهانی در انحصار ما باشد. باید افکار عمومی مردم را منسوب سازیم تا اطلاعات واقعی به آنها نرسد. میان احزاب سیاسی نفاق شدید ایجاد کنیم تا تسلیم ما شوند و هر گونه ابتکار فردی و خلاقیت را که به سود ما نباشد، نابود کنیم.

❁ پروتکل ۶:

ما غیر صهیونیستها را استثمار می کنیم.

❁ پروتکل ۷:

اگر منافع ما اقتضا کند جنگ جهانی به راه خواهیم انداخت.

❁ پروتکل ۸:

ما باید تمام جنگ ابزارها و نیروهای کارآمد ممکن را برای مقابله با دشمنان در اختیار داشته باشیم، مثل: روزنامه نگاران، وکلای مدافع برجسته، مدیران کارکشته، مدیران ورزیده، کادرهای تعلیم و تربیتی، اقتصاددانان، صاحبان صنایع، سرمایه داران و میلیونرها و....

❁ پروتکل ۹:

تشکیل دولت قدرتمند یهود؛ که با واژه دیکتاتوری که مفهوم زور و قدرت از آن مستفاد می شود توصیف شود.

❁ پروتکل ۱۰:

هدف ما دستیابی به یک قدرت جهانی است. حتی سعی کرده ایم تا با وساطت ما حکومت مطلقه به مشروطه و از مشروطه به جمهوری تحوّل پیدا کند. لازم است روابط مردم را با دولت هایشان تیره کنیم به طوری که مردم بر اثر اختلاف عقیده، گرسنگی، بیماری و کشمکش به تنگ آیند و جز به رهایی از دست دولت هایشان و پناه بردن به حکومت نجات بخش ما، به چیز دیگری نیندیشند

❁ پروتکل ۱۱:

ما گرگیم! و غیر یهودیان گله ی گوسفندانند و شما می دانید که وقتی گرگ به گله می زند چه اتفاقی می افتد.

❁ پروتکل ۱۲:

ما مطبوعات جهانی را کنترل می کنیم تا فقط مطالب دروغ چاپ کنند.

❁ پروتکل ۱۳:

ترویج مفهوم پیشرفت: ما باید آنقدر غیر یهودیان را به مسایلی چون پیشرفت، سرگرم کنیم تا سرانجام از فهم هر مسأله ای اظهار عجز کنند، کلمه پیشرفت مانند یک عقیده ی سفسطه آمیز حقیقت را لوث می کند.





❁ پروتکل ۱۴:

نابودی ادیان: هنگامی که حکومت شاهنشاهی ما آغاز شد، همه ی ادیان باید از بین بروند به جز دین ما که همانا اعتقاد به خدای یهود است.

❁ پروتکل ۱۵:

با تشکیل کُرّه‌های فراماسونری، آزادی دلخواه خود را در تمامی کشورهای جهان ایجاد می‌کنیم.

پلیس های ملی و بین المللی از جمله کسانی خواهند بود که در این لُرّه‌ها عضویت پیدا خواهند کرد. مرگ برای همه یک امر اجتناب ناپذیر است، آنهایی که مانع انجام برنامه های ما می شوند، بهتر است که مرگشان را جلو اندازیم؟! (بدیهی است آنچه که در مورد ملل مظلوم عراق و فلسطین و افغانستان انجام می گیرد، تنها با همین منطق قابل توجیه است.)

❁ پروتکل ۱۶:

اهداف آموزشی و تربیتی:

به نوسازی برنامه های آموزشی دانشگاه ها می پردازیم و تمام استادان و مقامات دانشگاهی را مطابق برنامه های سرّی و محرمانه برای مشاغل جدیدشان آماده می‌کنیم و به هر نوع آزادی در زمینه ی آموزش خاتمه می‌دهیم.

❁ پروتکل ۱۷:

اعتبار کشیشان مسیحی و علمای مسلمان را از بین می‌بریم تا قدرت مقابله با ما را نداشته باشند.

❁ پروتکل ۱۸:

تحقق حکومت ما به کمک زور و ارعاب است.

❁ پروتکل ۱۹:

در واقع با ابراز هرگونه نظریه ی مستقل که به ضرر دولتهای وابسته ما باشد، جلوگیری می‌کنیم.

❁ پروتکل ۲۰:

باید کاری کرد که نفرت فقیران نسبت به ثروتمندان و سرمایه داران زایل شود. در پروژه‌ی اصلاحات باید اصلاحات اجتماعی از بالا صورت گیرد، قابل توجه است که این گونه اصلاحات از سوی دولت هایی که وجهه ی مردمی ندارند چیزی جز فساد و تباهی بار نخواهد آورد و دقیقاً نقطه مقابل اصلاحات انقلابی است که متکی به توده های مردم است.

- باید به دولتها توصیه کرد تا اوام های خارجی بگیرند و از وقتی ما اوام های



خارجی را مرسوم ساختیم، ثروت ملت ها به سوی صندوق های پولی و مالی یهود سرازیر شد.

❁ پروتکل ۲۱:

ترویج اوراق قرضه ی ملی و وام دادن مردم به دولت برای شکست دولت های غیر یهودی و بالا رفتن مصنوعی قیمت ها، پر شدن خزانه ی دولت ها و سپس مجبور شدن دولت ها به گرفتن وام های جدید و وضع مالیات های مضاعف و نهایتاً سقوط دولت ها و...!

❁ پروتکل ۲۲:

ما بزرگترین قدرت عصر یعنی طلا را در اختیار داریم و در طول دو روز می توانیم هر اندازه که بخواهیم از انبارهایمان طلا خارج نماییم.

❁ پروتکل ۲۳:

برای آنکه مردم به اطاعت کردن عادت کنند، باید درس قناعت و تواضع به آنان آموخت. نیروهای مورد نظر ما با چپاول و انواع خشونت و بزهکاری، زیر ماسک اصول آزادی و حقوق بشر، زمینه را برای استقرار حکومت پادشاه یهود فراهم ساخته اند، اما در زمان شاهنشاهی ما باید این گونه نیروها را از سر راه برداریم.

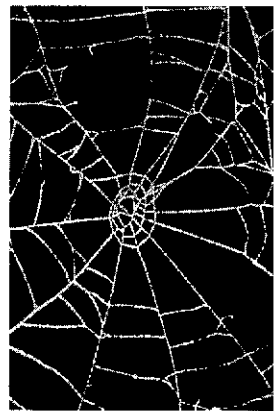
❁ پروتکل ۲۴:

کانسترو تیسم (شاخه ای از قوم یهود که بعضی قسمت های تورات را تغییر داده و هدفشان تسلیم محض در مقابل قدرت رهبران مذهبی یهود و خواستار تغییر در برخی عبادات و مراسم مذهبی مطابق با نیازهای زمان است). که حکمای اندیشمند ما آن را عامل هدایت و پرورش فکری تمام بشریت می دانند، قبل از هر چیز باید جزء برنامه آموزشی باشد. (۹)

حال با مرور این ۲۴ پروتکل در می یابیم که یهود در کدام موضع قرار دارند و ما تا کتون در برابر دشمنی آنها چه کرده ایم؟

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم: سوره های بقره، آل عمران و حشر
۲. ابن سعد: الطبقات الکبری، دار بیروت و دار صادر، ۱۳۷۷ هـ، المجلد الثانی
۳. ابن هشام، عبد الملک: السیره النبویه، مطبعه البابی العلیی، مصر ۱۳۷۵ هـ، القسم الثانی
۴. بلاذری، احمد بن یحیی: فتوح البلدان، مکتبه الهلال، بیروت ۱۹۸۸ م.
۵. ضاهروتی، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم ﷺ، ترجمه دکتر اصغر قاندان، نشر صریح ۱۳۷۴
۶. مارسدن، ویکتور امیل: پروتکل دانشوران یهود، ترجمه سید حسین نجفی یزدی، انتشارات ناظرین، ۱۳۸۲، چاپ اول
۷. واقفی، محمد بن عمر: مغازی، ترجمه محمود مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱
۸. هر تزل، تنودوز: پروتکل های رهبران یهود برای تسخیر جهان: مترجم دکتر بهرام محسن پور. کتاب صبح، ۱۳۸۲، چاپ اول



۹. مراجعه شود به کتب پروتکل های رهبران یهود برای تسخیر جهان، ترجمه دکتر بهرام محسن پور و پروتکل دانشوران یهود، تنظیم سید حسین نجفی یزدی



مهدی سلطانی رنای

از منظر قرآن کریم

مقدمه

پروردگار جهانیان و نازل کننده قرآن جاویدان در آخرین نامه انسان سازی خود برای بشر، شیوه‌های مختلفی برای تربیت و تزکیه انسان ارائه می‌فرماید؛ روش‌هایی که هر کدام تأثیری خاص بر روح و روان و منش انسان می‌گذارد؛ روش‌هایی چون بشارت به نعمت‌های جاویدان، بیم دهی از عذاب همیشگی، بیان سرگذشت گذشتگان، داستان پیامبران، استفاده از تمثیل، بهره‌گیری از قسم و سوگند و... در این رویش و زایش، در نهاد خود همواره رو به سوی کمال دارد و با اشتباهی سیری ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی است؛ تکاملی که عبارت است از تغییراتی تدریجی در مسیر شکوفایی و به فعلیت رسانی استعدادهای فطری، که به وسیله نیروهای به ودیعت نهاده شده در سرشت کمال‌گرای که با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می‌شود. (۱) در راستای عروج به قله‌های رفیع ترقی و کمال، یکی از کاراترین نیروهای فطری انسان میل به تقلید و اسوه‌پذیری است و این میل به عنوان یک احساس درونی، او را وادار می‌نماید تا جهت رسیدن هر چه سریعتر به کمال مطلوب، روش و سبیره تکامل‌یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی هدف‌دار و آگاهانه برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با آن الگوهای مورد نظر در پیش گیرد. (۲) قابل ذکر است که یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی قرآن که به کرات مورد توجه قرار گرفته همین روش است، که با تعیین الگوهای صحیح و

(۱) ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ خودشناسی برای خودسازی، صفحه ۱۱-۱۳

(۲) ر.ک: همان و همچنین مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر، صفحه ۶۷-۶۸

تأکید بر پیروی از ایشان و همچنین با رسوا کردن الگوهای ناصحیح و درهم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی صورت می‌پذیرد و رسالت مادر این نوشتار و مقاله تحقیقی، بیان نمونه‌هایی از آن روش با توضیح کامل و مستدل است و قبل از آن انواع اسوه‌پذیری، آفات اسوه‌پذیری و روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری تبیین می‌شود.

❁ انواع اسوه‌پذیری و مورد مطلوب آن از دیدگاه قرآن

مطابق نظر گروهی از روان‌شناسان، الگوپذیری - به معنای عام آن - بر ۳ قسم است: محاکات، تقلید بالمعنی الاخص و اقتباس.

۱) **محاکات**: تقلید نا آگاهانه و عاری از هر گونه اندیشه و تشخیص را گویند؛ مانند کودک چند ماه‌های که در پی خنده اطرافیان، بی‌درنگ می‌خندد.

۲) **تقلید بالمعنی الاخص**: این نوع تقلید که آن را تقلید بچه‌گانه هم می‌گویند، عبارت است از الگو برداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران.

در این نوع تقلید عنصر آگاهی و هدف‌داری حضور دارد اما حضوری کم‌رنگ و اندک؛ مانند طفل سه‌ساله‌ای که تنها برای شبیه‌سازی خود به اطرافیان از اعمال ایشان تقلید می‌نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن اعمال را درک کند.

۳) **اقتباس**: این قسم عالی‌ترین مرتبه الگوپذیری و تقلید می‌باشد که عبارت است از تکرار عمل دیگری با آگاهی کافی از حسن کار او.

این نوع اسوه‌پذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی علم و قصد می‌باشد؛ همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می‌باید برمی‌گزیند و برای این‌گزینش دلیلی هم اقامه می‌کند. سر و کار مادر بحث اسوه‌پذیری در قرآن، با این نوع است.

در عرصه اسوه‌پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت کامل می‌باشد، ولی لحاظ این دو عنصر در الگوپذیری‌ها متفاوت است. (۳)

❁ آفات اسوه‌پذیری از منظر قرآن کریم:

اسوه‌پذیری، گرچه از اهمیت بس‌شگرفی برخوردار است، اما همچون هر امر مثبت دیگری می‌تواند دستخوش آفت شده، زمینه خسارت‌های عظیمی را فراهم آورد. از این روی مهم‌ترین این آفات را برمی‌شمریم.

۱) الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد:

نخستین الگوهای آدمی، پدر و مادرند. کودک، والدین خویش را هم از لحاظ



۳) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۱۱-۲۱۴

قدرت و هم از لحاظ علمی بسیار برتر از خود می بیند و به تجربه در می یابد که پیروی از پدر و مادر فواید بسیاری برای وی دارد؛ از این روی می پندارد همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت و در هر زمینه ای باید از ایشان پیروی کرد.

اگر این خصلت پیروی مطلق و بی چون و چرا از آبا و اجداد در سال ها و مراحل بعدی و بالاتر زندگی پابرجا بماند و هم چنان تداوم داشته باشد، باید اظهار نمود که شخص هنوز در دوران طفولیت به سر می برد و در زمینه اسوه پذیری دچار آفت عظیم و انحراف وسیع شده است.

قرآن کریم در آیات متعددی از این آفت سخن گفته و کسانی را که دچار آن هستند، سخت مورد مذمت و نکوهش قرار می دهد؛ مثلاً «و اذا قيل لهم تعالوا الي ما انزل الله و الي الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا اولوكان ءآباؤهم لا يعلمون شيئا و لا يهتدون» (۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود، به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می گویند: آنچه از پدران خود یافته ایم ما را بس است. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟!

۲) اسوه پذیری غیر عاقلانه از باطل :

آفت دیگر این است که شخص برای حفظ رابطه مودت آمیز خود با دیگران یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که خلاف دین، حق و حقیقت است بپذیرد؛ یعنی از حق جدا شود تا به خلق پیوندد. حضرت ابراهیم (ع) قوم خویش را به همین جهت مورد نکوهش قرار می دهد: «و قال انما اتخذتم من دون الله اوثاناً موده بينكم في الحيوه الذنبا...» (۵) ... شما غیر از خدا بت هایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.

۳) اسوه پذیری و الگوگیری از اکثریت :

آفت دیگر این است که فرد، اکثریت طرفداران یک رأی و عقیده را دلیل حقانیت آن رأی و عقیده پندارد و آن را بپذیرد. این که پاره ای از افراد در هر امری تابع اکثریت می شوند ناشی از همین پندار باطل است. موضع قرآن کریم در این مورد چنان واضح است که نیازی به ذکر نمونه نیست. (۶)

۴) اسوه پذیری و الگوگیری کامل از الگوهای غیر صالح :

اگر وجود یک یا چند خصلت نیکو در الگویی باعث این پندار شود که عقیده و سیره او در همه زمینه ها معتبر است، الگوپذیر در لبه پرتگاهی خطرناک واقع می شود و این خود نیز یک آفت در مسیر اسوه پذیری است. متأسفانه این روش،

۴) سوره مائده (۵) / آیه ۱۰۴

۵) سوره عنکبوت (۲۹) / آیه ۲۵

۶) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛

جامی از زلال کوثر، صفحه ۷۱-۶۹

امروزه بسیار رواج یافته است و هر گروهی از افراد غیر صالح که در ظاهر خوب جلوه‌گری نموده و دارای درجات فانی دنیوی است را به عنوان اسوه و الگو، پیروی و تقلید می‌کنند و از این طریق به چیزی اعتقاد می‌یابند. غافل از آنکه قبول برتری مسلم یا نامسلم کسی در زمینه‌های معین، نباید سبب این پندار شود که او در زمینه‌های دیگر نیز شایستگی دارد. (۷)

❁ روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری

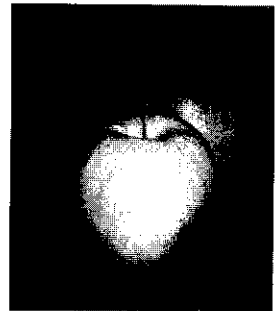
حال که با آفت‌های الگوپذیری آشنا شدیم، لازم است که راه‌حل‌های آن‌ها را نیز بدانیم. این مسأله که حل آن برای یک مصلح اجتماعی از قدر و اهمیت عظیمی برخوردار است با دست به دست هم دادن چند شیوه تربیتی و اصلاحی می‌تواند اصلاح شود.

- (۱) افزایش معرفت عمومی
- (۲) بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی و اجتماعی

❁ افزایش معرفت عمومی:

اساسی‌ترین و کارسازترین شیوه در اصلاح اسوه‌پذیری این است که قدرت تفکر و تعقل و تأمل مردم را بیشتر نماییم تا این مطلب را عمیقاً بفهمند که کمال آدمی به اموری از قبیل ثروت، دانش، صنعت و اشکال یا اقسام گوناگون قدرت اجتماعی نیست؛ زیرا افزایش قدرت تفکر مردم موجب می‌شود که هم چنین دریابند، پدر و مادر، مرجع تقلید سراسر زندگی فرزندان و همه‌ی وجوه حیات او نیستند و نیز درخواهند یافت که حقیقت را نباید فدای هیچ چیز و هیچ کس کرد و حتی برای ایجاد یا حفظ و تحکیم ارتباطات دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز نباید از حق دوری نمود و دست برداشت. کثرت طرفداران یک رأی و عقیده نیز دلیل حقانیت آن نخواهد بود. فهم عمیق این مطالب موجب خواهد شد که بسیاری از افراد، گروه‌ها و قشرهایی که الگوهای عقیده و عمل مردم به حساب می‌آیند از کرسی تقلید فروافتند و افراد دیگری که صلاحیت این امر خطیر را دارند متصدی آن شوند.

اگر در روح و ذهن افراد، گرد و غبار آرا، و نظرات فاسد و خیالات باطل فرو نشیند، آن فرد می‌تواند الگوهای راستین را از الگوهای دروغین تمیز دهد. بدین ترتیب الگوهای عقیده و عمل مردم کسانی خواهند شد که نباید بشوند، و کسانی خواهند بود که باید باشند و پیداست که اگر الگوهای جامعه، انسان‌هایی ذی صلاح باشند، مردم در راه صواب خواهند افتاد.



(۷) رک: همان؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۲-۲۱۹

❁ بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی و اجتماعی:

افزایش معرفت عمومی هر چند شیوه‌ای زیربنایی است؛ اما نیازمند زمان و فرصت وسیع، نیروی انسانی عظیم و فعالیت‌های جانفروست است. این شیوه مخصوصاً در جامعه‌هایی که اکثریت افراد آنها معلوماتی ناچیز و نیروی تعقلی ضعیف داشته باشند، با کندی و سختی مضاعف مواجه خواهند شد. از این روی باید از شیوه‌های دیگر نیز که نتایج آنها سریعتر و سهلتر به بار آید، سود جست. در این شیوه‌ها از ویژگی‌های روانی و اجتماعی مردم؛ مثلاً از مجالس و محافل مذهبی، عرف و عادات، آداب و رسوم، مناسک، احساسات و عواطف آنها در راه اصلاح جامعه استفاده‌های دقیق و به‌جامی شود، به‌عنوان نمونه می‌توان به بهره‌گیری‌های صحیح و استفاده‌های دقیق امام خمینی «رضوان الله علیه» از عواطف و احساسات مقدس مردم جهت به‌ثمررسانی انقلاب اسلامی اشاره نمود. ایشان با توجه به عواطف درونی مردم و با بهره‌مندی به‌جای از خصائص مذهبی، عاطفی و اجتماعی ایشان، ایجادگر تحولی بنیادین در روحیه مردمان و برپاکننده انقلابی بی‌نظیر در ایران شدند. (۸)

❁ اسوه‌پذیری از منظر قرآن کریم و نمونه‌های مختلف آن

همانطور که ذکر شد، یکی از مهمترین روش‌های تربیتی قرآن کریم، تعیین الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا نمودن اسوه‌های ناصحیح و در هم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی است که به‌زمینه‌ها و مواردی از آن اشاره می‌نماییم:

۱) معرفی اسوه‌حسنه: قرآن، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را الگوی شایسته و اسوه‌حسنه مؤمنان راستین معرفی می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» در پیامبر خدا برای شما؛ برای کسانی که به‌خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای را بسیار یاد می‌کنند، الگویی نیکو وجود دارد. (۹)

آنچه در این آیه شریفه و نورانی قابل توجه است، جمله «لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» می‌باشد.

این جمله، بدل از ضمیر خطاب در لکم است، تا دلالت کند بر اینکه اقتدا و تاسی کامل به رسول خدا ﷺ توفیقی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. اسوه‌پذیری از رسول، صفت حمیده و پسندیده‌ای است که هر مؤمنی بدان متصف نمی‌شود، بلکه مؤمنانی به این صفت نیکو‌نایل می‌آیند که ایمانی راستین به خداوند و روز



(۸) ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۵-۲۲۲
 (۹) سوره احزاب (۳۳) / آیه ۲۱

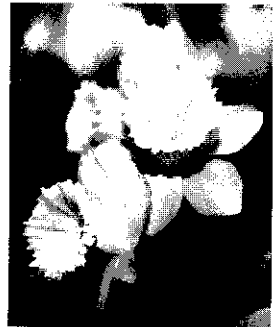
قیامت داشته باشند؛ ایمان دارند گانی که دل در گرو عشق به خدا و توجه به او دارند و او را بسیار یاد می کنند و در نتیجه این ذکر و توجه مداوم است که تاسی کامل به رسول الله ﷺ صورت می پذیرد. (۱۰)

آری! داعیه داران مسلمانی و مؤمنان راستین، آن زمان به مقام رفیع تبعیت و اسوه پذیری کامل از اسوه حسنه دست می یابند که به خدا و روز جزای اخروی باوری حقیقی داشته باشند. (۱۱)

۲) اسوه دهی از سیره پیامبران: خداوند متعال در قرآن کریم از پیامبر رحمت می خواهد که در عرصه خطیر ابلاغ رسالت به پیامبران اولوالعزم اقتدا کند و همچون آنها صبر و استقامت پیشه سازد و از شتاب و بی صبری پرهیزد: «فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل و لا يستعجل لهم...» (۱۲) (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) همچون پیامبران اولوالعزم صبور باش و برای (عذاب) آنان شتاب مکن!

در آیه شریفه دیگری از پیامبر اسلام، که خود اسوه حسنه مؤمنان است، خواسته می شود که در پیمودن راه هدایت به پیامبران پیشین اقتدا کند: «اولئک الذین هدی الله فهداهم اقتده...» (۱۳) آنان کسانی هستند که خداوند متعال هدایتشان کرده است؛ به هدایت ایشان اقتدا کن.

۳) الگو دهی از سیره ابراهیم و پیروان او: پروردگار جهانیان در قرآن مجید، ابراهیم (ع) و پیروان راستین او را الگوهای شایسته در عرصه تولی (۱۴) و تبری (۱۵) معرفی می فرماید: «قد کانت لکم اسوة حسنة، فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا برءوا منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده الا قول ابراهیم لأبیہ لأستغفرن لک...» (۱۶) در ابراهیم و کسانی که با او بودند، برای شما مؤمنان؛ الگویی نیکوست، آن هنگام که به قوم خویش گفتند: ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید بیزاریم. میان ما و شما دشمنی و کینه پابر جاست تا آن که به خداوند یگانه ایمان بیاورید؛ مگر در این سخن ابراهیم به پدرش (عمویش) که گفت: حتماً برای تو آمرزش خواهم طلبید... و در آیه دیگری بر اسوه بودن ایشان برای مؤمنان راستین تأکید می ورزد: «لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر...» (۱۷) به راستی در آنان برای شما، برای کسانی که خدای متعال و به روز بازپسین امید دارند، الگویی نیکو وجود دارد.



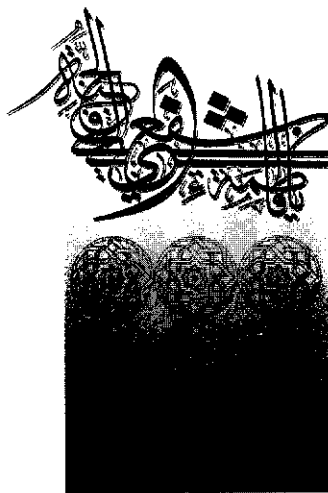
(۱۰) ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، صفحه ۲۰۵-۲۰۳
 (۱۱) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، جلد ۱، صفحه ۱۵۶-۱۵۵
 (۱۲) سوره احقاف (۴۶) / آیه ۲۵
 (۱۳) سوره انعام (۶) / آیه ۹۰
 (۱۴) اظهار محبت و ارادت به خداوندگار یگانه، پیامبر و اهل بیت معصومین علیهم السلام را گویند.
 (۱۵) ابراز بیزاری و نفرت از مشرکان، خدایان دروغین و دشمنان پیامبر و اهل بیت معصومین علیهم السلام را گویند.
 (۱۶) سوره ممتحنه (۶۰) / آیه ۴
 (۱۷) همان / آیه ۶



۴) تشویق به اسوه پذیری از مؤمنان صالح: خداوند متعال پاداش اقتدا کنندگان به مؤمنان صالح را همتر از خود ایشان معرفی می کند تا ارزش اسوه پذیری صحیح را بیان نماید. (۱۸) در قرآن کریم بیش از یکصد بار سخن از تبعیت و اتباع به میان آمده و این خود نمایان گر نهایت اهمیت و توجهی است که این کتاب انسان ساز برای اسوه پذیری و الگو گیری در عرصه تربیت، تزکیه و هدایت انسان ها قائل است. همچنین به دلیل آنکه اصول مکتب و خط مشی اعتقادی - اخلاقی پیامبران و مؤمنان صالح مشترک است و محدود به زمان و مکان خاصی نمی شود، برای همه پویندگان راه هدایت، اقتدا به سیره صالحان گذشته را ضروری می شمرد. (۱۹)

۵) الگو سازی در قالب داستان و تمثیل: هدف مهم بسیاری از داستانها و تمثیلهای قرآنی الگو سازی از سیره پیامبران و مؤمنان راستین و عبرت دهی از فرجام پیشوایان کفر و گمراهی بدکاران عالم است: «لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب» (۲۰) به راستی که در بیان داستان ایشان، برای صاحبان اندیشه، عبرت کامل خواهد بود. برای نمونه، خداوند متعال در آیاتی آسبه همسر فرعون و مریم دختر عمران را مثال می زند و ایشان را اسوه تمام مؤمنان جهان، اعم از زن و مرد، معرفی می فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون اذ قالت رب ابعث لی عندک بیتنا فی الجنة و نجّنی من القوم الظالمین» (۲۱) و باز خدا برای مؤمنان (آسبه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست) و عرض کرد: بارالها! (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه ایی در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار، نجات ببخش و نیز مریم دختر عمران را که عفاف و پاکدامنی ورزید ...

در این دو آیه خداوند متعال با استفاده از شیوه تمثیل به معرفی دو الگوی شایسته می پردازد: آسبه و مریم؛ گویا خداوند متعال خطاب به همه ایمان آورندگان می فرماید: اگر می خواهید به الگویی، تاسی و اقتدا نمایید، به سیره رفتاری این دو زن بنگرید. از وسعت نظر و بلند همتی همسر فرعون سرمشق بگیرید که با وجود فراهم بودن همه امکانات مادی و دنیوی در قصر فرعون، به این دنیای زودگذر فانی و لذائذ آنی آن به دیده تحقیر نگریست و از خداوند، ملک متعالی و نجات از شر ستمکاران یاغی را طلبید. همچنین به چیزی فروتر از مقام قرب و رضوان الهی رضایت نداد.



۱۸) سوره توبه (۹) آیه ۱۰۰: همچنین جهت مطالعه و فهم این موضوع رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر صفحه ۸۰-۷۴
 ۱۹) رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگان قرآن، صفحه ۲۷۸-۲۷۵
 ۲۰) سوره یوسف (۱۲) آیه ۱۱۱
 ۲۱) سوره تحریم (۶۶) آیه ۱۱ و ۱۲